

# نقش مأمورین نیروی انتظامی در پیشگیری از جرایم اطفال

خلیل آفنداک (معاون آموزشی و دانشجویی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر)



درمان احتیاج پیدا کند و به طور کلی، همان طوری که برای سلامت جسم و جان هم پیشگیری و هم مداوا تواءمان لازم است، برای رسیدن به یک اجتماع سالم نیز رعایت این اصول حتمی است. بر کسی پوشیده نیست که پیشگیری از ارتکاب جرایم خیلی مؤثرتر و باصرفه‌تر از مجازات و یا اقدامات بازدارنده است. هزینه‌هایی که صرف احداث زندانها، خرید تجهیزات مورد نیاز، تهیه مواد غذایی و پوشاک و سلامت زندانیان و... می‌شود، خیلی زیادتر از هزینه‌هایی خواهد بود که در اقدامات پیشگیرانه لازم می‌آید. بر این اساس، نظریه حقوقدانان پس از قرن نوزدهم به تدریج به سمت پیشگیری و اقدامات پیشگیرانه از ارتکاب جرم متمایل شده است. قوانین کشور ما هم بی‌تأثیر از این اندیشه‌ها نمانده و در مواد مختلف از قوانین موضوعه به مسئله پیشگیری از جرم پرداخته و

شرایط زندگی در قرن حاضر روزبه روز اذهان را متوجه پیشگیری از جرایم، خصوصاً جرایم اطفال و نوجوانان می‌نماید. تردیدی نیست که با پیشرفت و تکامل تمدن انسانی و افزایش وسایل ارتباطی و تکنولوژیکی، امکانات برای وقوع جرایم، پیوسته رو به افزایش است. اگر از این خطرات جلوگیری نشود، جنایات و جرایم مانند طاعون مهلکی اشاعه خواهد یافت و آن وقت وسیعترین و مجهزترین دستگاه‌های پلیسی جهان نیز قادر به مبارزه با این فساد و تباهی نخواهد بود.

همچنان که می‌دانیم، بدن انسان در هنگام بیماری به داروهای گوناگونی احتیاج دارد. اما این کافی نیست، بلکه باید از حفظ و نگهداری آن در موقع سلامتی با رعایت اصول بهداشتی غفلت نورزید و رویه‌ای پیش گرفت که حتی‌المقدور بدن بیمار نشود، تا به

**وقتی می‌گوییم نیروی انتظامی حافظ جان و مال افراد جامعه می‌باشد، منظور این است که وظیفه اصلی او جلوگیری از وقوع جرایم است؛ زیرا حفظ جان و مال مستلزم این است که افراد را قبل از این که دچار خسارتی یا صدمه‌ای شوند حمایت نمود. پس از وقوع جرم، پیدا کردن مجرم و مجازات او و حتی جبران خسارت، نتیجه مطلوب را نخواهد داد.**

به آن اهمیت داده است. به عنوان مثال: می‌توان از قانون اقدامات تأمینی مصوب اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۹ و همچنین بند "۵" اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نام برد.<sup>(۱)</sup>

در تمام دنیا، مجاهدت سختی برای هدایت اطفال چه به وسیله دولت‌ها و چه به وسیله اشخاص انجام می‌پذیرد. امروز در اغلب کشورها، دادگاه‌های خصوصی برای رسیدگی به جرایم اطفال و اختلافات خانوادگی که موجب انحراف می‌گردد، تشکیل شده و برای معالجه اخلاقی و هدایت کودکان، سازمان‌های بهداشتی و روانی و کلاس‌های مخصوص و مراکز هدایت منحرفین تأسیس گردیده و تعلیم و تربیت حرفه‌ای تحت نظر متخصصین تعلیم یافته و برای حمایت اطفالی که در معرض خطر قرار می‌گیرند، قوانین مفیدی وضع شده است. برای تفریح و سرگرمی جوانان باشگاه‌های تفریحی و ورزشی شایسته‌ای ایجاد کرده‌اند و از همه مهمتر، کوشش می‌شود که از وقوع جرایم با اصول صحیح پیشگیری شود و در این امر پلیس نقش بسیار عمده‌ای دارد. مأمورین نیروی انتظامی برای هدایت اطفال و پیشگیری از جرایم آنان موقعیت خاصی دارند. آنان شب و روز در خیابانها و مجامع عمومی حاضر هستند و با چشم باز به حوادث قریب‌الوقوع می‌نگرند و در تمام این حوادث و مقدمه‌ها در مقام مداخله قرار می‌گیرند.

وقتی می‌گوییم نیروی انتظامی حافظ جان و مال افراد جامعه می‌باشد، منظور این است که وظیفه اصلی او جلوگیری از وقوع جرایم است؛ زیرا حفظ جان و مال مستلزم این است که افراد را قبل از این که دچار خسارتی یا صدمه‌ای شوند حمایت نمود. پس از وقوع جرم، پیدا کردن مجرم و مجازات او و حتی جبران خسارت نتیجه مطلوب را نخواهد داد.

در نظر بیشتر مردم، کلمه پلیس یا مأمور (نیروی انتظامی) همراه و مترادف با زندان، حبس و توقیف می‌باشد، و چنین تصویری از فرد پلیس ایجاد شده است که او فردی است مأمور دستگیری

مجرمین و معرفی آنها به دستگاه قضایی و مسئول حفظ آرامش و امنیت و پشتیبان قانون. بدیهی است که امور فوق از اهم وظایف دستگاه پلیس است. اما باید گفت که وظایف پلیس محدود بر این مورد نیست و همان طوری که در قسمت "د" بند "۸" ماده (۴) قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۷ آمده، پیشگیری از وقوع جرایم که وظیفه‌ای است بس خطیر و مهم نیز بر عهده نیروی انتظامی می‌باشد.<sup>(۲)</sup>

در اینجا بجااست که به ماده (۱۸) اعلامیه جهانی بقای رشد و حمایت از کودکان که در دهه سال ۱۹۹۰ تصویب شده، نیز اشاره کنیم. این ماده مقرر می‌دارد: «خانواده دارای اولین مسئولیت در پرورش و حمایت کودکان در سنین بین نوزادی و بلوغ است. فرایند آشناسازی خردسالان با فرهنگ، ارزشها و هنجارهای اجتماع پیرامون آنها در دامن خانواده آغاز می‌شود. برای رشد کامل و متعادل شخصیت کودکان، آنان باید در محیط خانواده و در فضایی سرشار از شادی، عشق و تفاهم پرورش یابند. پس کلیه نهادهای جامعه باید به مساعی والدین و سایر خدمتگزاران احترام گذارند و به حمایت از آنان مبادرت ورزند تا بدین وسیله کودکان در محیط خانوادگی پرورش یابند و تحت مراقبت قرار گیرند.»

بسیاری از اطفال خصوصاً در محله‌های فقیرنشین شهرها، اغلب اوقات فراغت خود را در معابر، کوچه‌ها و خیابانها به دور از چشم سر پرستان و والدین خود می‌گذرانند. با دوستان خود در تماس هستند و توسط دوستان خود با دوستان دیگری که ممکن است دوستان نابابی بوده باشند تماس پیدا کرده و باب دوستی را با او می‌گشایند و به لحاظ کمبود تجربه و آگاهی در انتخاب دوستان، ممکن است راه خطا را رفته و به مکانهای خاصی برده و به اعمالی تشویق شوند که نابهنجار بوده و به عبارتی، جرم محسوب می‌شود. پلیس باید در این موارد حامی و پشتیبان طفل بوده و به عنوان سرپرست او مواظب اعمال و رفتار او باشد. یک مأمور نیروی انتظامی می‌تواند با استفاده از استعداد شخصی و شم پلیسی خود و نیز با استفاده از موقعیت اجتماعی خوب خود، راهنمای اطفال و نوجوانان در رفتارهای بیرون از خانه خود باشد. پس مأمور نیروی انتظامی یک وظیفه دو جانبه بر عهده دارد. از یک طرف باید معابر، خیابانها و مکانهای عمومی را منزله از آلودگیها و اعمال خلاف نماید و از طرف دیگر، در جوانانی که در معرض انحراف قرار گرفته‌اند مؤثر باشند.

وقتی نوجوانی در صحنه حوادث و اعمال مجرمانه ظاهر می‌شود، مأمور نیروی انتظامی اولین مقامی است که با او تماس خواهد داشت و در بیشتر موارد این تماس اولیه و نحوه آن تکلیف و طبیعت تماسها و بر خوردهای مقامات بعدی را روشن می‌سازد.

دستگیری و بازجویی ابتدایی اولین قدم برای بازداشتن طفل از راهی است که در آن قدم گذارده است. ضربه و تکانی که در اثر اولین اقدام پلیس حاصل می‌شود ممکن است سازنده و مفید باشد. بازجویی اولیه اغلب به طفل و نوجوان اجازه می‌دهد که با بیان حقیقت، وجدان خود را از زیر بار گناه آسوده سازد؛ زیرا سرشت پاک او هنوز در اثر انواع جرایم آلوده و تخریب نشده است. به همین دلیل، اگر مقامهای صلاحیتدار در ابتدای امر دقت و مراقبت کامل مبذول داشته و به شخصیت طفل احترام بگذارند، چه بسا که طفل مورد احترام دچار عکس‌العمل شدیدی شده و به کلی تغییر ماهیت دهد. این امر بیشتر در مورد اطفال بزهکار و با سابقه صادق خواهد بود؛ چرا که به علت سوابق قبلی وی، موقع دستگیری رفتار چنان خوبی در مورد او اعمال نمی‌شود، و به او به دیده یک فرد بزرگسال و عاقل و کامل نگریسته و رفتار می‌شود.

تحقیقات جرم‌شناسان نشان داد، که از جمله بهترین علل ارتکاب بزه از طرف اطفال و نوجوانان علل روانی، اخلاقی و عاطفی می‌باشد و همین امر باعث حساس شدن بیش از حد آنان می‌شود. بسیار روشن است که مأمور نیروی انتظامی که وظیفه‌اش برخورد با این اطفال است، بایستی دارای علم و تخصص کافی و لازم در این خصوص بوده و تعلیمات لازم را قبلاً دیده باشد. یعنی، پلیسی که با افراد جوان و میانسال و بزرگسال سرو کار دارد، همین پلیس اگر تخصص لازم را نداشته باشد، در برخورد با اطفال (اعم از بزهکار و یا غیر بزهکار) موفق نبوده، نمی‌تواند نقش سازنده و اصلی خود را که همان حمایت و هدایت اطفال است ایفا نماید.

با توجه به وظایف بسیار مهم و سنگین نیروی انتظامی، بایستی در جذب پرسنل این نیرو خصوصاً پلیس اطفال دقت بیشتری معمول گردد و برای این که یک مأمور نیروی انتظامی وظیفه رسیدگی و کنترل طبقه خاصی از افراد بزهکار را بر عهده داشته باشد بایستی پلیس اطفال را از بین پرسنل با تجربه‌ای که دوره‌های لازم را تحت نظر متخصصین مربوط طی نموده و از لحاظ روانی و جسمانی شایستگی احراز این سمت را به دست آورده‌اند، انتخاب نمود. این مأمور بایستی فردی مؤدب و مبتکر بوده و مسائل و موضوعات اجتماعی را بتواند کاملاً درک نماید. دانشکده‌های پلیس بایستی با استفاده از اساتید رشته‌های حقوق (ترجیحاً رشته جرم‌شناسی)، روانشناسی و جامعه‌شناسی از مطالب آنان در کلاسهای آموزشی خود در جهت تربیت و آموزش کادر خود بهره‌گیری نماید.

بایستی در انتخاب پلیس اطفال، هم به علاقه و استعدادهای مخصوص فرد هنگام انجام وظیفه توجه نمود و هم به وضع

اخلاقی، روانی و حس تعاون و توازن آنها نیز توجه کرد. به عبارت دیگر، آن عده از افسران و درجه‌داران نیروی انتظامی باید انتخاب شوند که دارای فضائل اخلاقی و معنوی و تقوای اسلامی و انسانی بوده باشند.

طرز عمل و رفتار پلیس اطفال روشها و تکنیکهای جدیدی است که همکاری و معاضدت تمام ادارات و سرویسهای مربوط را ایجاب می‌کند. هر گاه پلیس بخواهد وجودش ثمربخش و مفید باشد باید با این فنون و تکنیکها آشنایی پیدا کند، و راه مناسب فراگرفتن این فنون، آموزش در مؤسسه جرم‌شناسی و یا در دانشگاه و کلاسهای شبانه تحت نظر افراد متخصص در مسائل مربوط به اطفال گمراه شده می‌باشد.

برای مثال: یک افسر و یا درجه‌دار کادر نیروی انتظامی که برای برخورد با اطفال موظف می‌شود، بایستی موارد زیر را ولو به صورت کامل هم نبوده باشد، آموخته و آنها را فرا گیرد:

۱. اطلاع از قوانین جزایی مربوط به اطفال، روشهای رسیدگی به جرایم اطفال بزهکار، مراجع رسیدگی کننده به جرایم اطفال، قیومت و قوانینی که برای حمایت و تادیب اطفال وضع گردیده است.

۲. مطالعه در علم جرم‌شناسی و یادگیری مقدمه‌ای از علل و اسباب مؤثر در بزهکاری اطفال.

۳. آشنایی با مراجع و مقامهایی که با اطفال سروکار دارند و به نحوی از طریق قانون در مورد اطفال عهده دار وظایفی شده‌اند.

۴. مطالعه و آموزش در مورد روانشناسی اطفال و نوجوانان، و روانشناسی اجتماعی حفاظت اطفال.

۵. توجیه و آموختن وظیفه و نحوه رفتار با اطفال ولگرد، بی‌سرپرست و یا اطفال و نوجوانان خاطمی که در جلوی دید و منظر مأمور، مرتکب آن عمل خطا می‌شوند.

البته بایستی متذکر شد که مطالعه در زمینه‌های مذکور، به هیچ وجه نمی‌تواند مقید به زمان خاصی بوده و بعداً به بوته فراموشی سپرده شود، بلکه بایستی یک مأمور در طول خدمت خود از این آموزشها بهره‌مند شود تا به مرور در آن خصوص تبحر یافته و تخصص کامل کسب نماید.

در تمامی سیستمهای حقوقی متمدن امروزی، علاوه بر در نظر گرفتن پلیس اطفال، دادگاههای خاصی را نیز برای رسیدگی به جرایم اطفال بزهکار اختصاص داده‌اند، که برای رسیدگی به جرایم اطفال بزهکار در این دادگاهها تشریفات و مقررات خاصی در نظر گرفته شده است که این تشریفات و مقررات با توجه به وضعیت سنی، جسمی و روانی اطفال و با ملاحظه آن تدوین و وضع گردیده‌اند.

در کشور ما نیز قانون تشکیل دادگاه اطفال در سال ۱۳۳۸ به

تصویب رسید. هدف اصلی این قانون، حمایت از اطفال و نوجوانان بزهکار با قصد اصلاح و تربیت بود که معمولاً در کانونهای اصلاح و تربیت که صرفاً در شهر تهران و چند شهر بزرگ کشور تشکیل گردیده بود، نگهداری می‌شدند. اما نه تنها تشکیل دادگاه اطفال در تمامی شهرستانها و حوزه‌های قضایی میسر نشد، بلکه کانونهای اصلاح و تربیت نیز در چند شهر که تعداد آنها به اندازه انگلستان یک دست هم نمی‌رسید، تشکیل نگردید. هر چند این قانون به سهم خود مترقی و لازم است، ولی وجود دادگاه اطفال بدون مقدمات لازم، چنانکه باید ثمربخش نبوده است. دادگاه رسیدگی کننده به جرایم اطفال وقتی می‌تواند تصمیم شایسته‌ای درباره طفل بزهکار اتخاذ نماید که شرح کاملی از زندگی و گذشته او در اختیار داشته باشد و این شرح حال شامل وضع خانواده، وضع روحی و مادی، نوع کار، رفتار پدر و مادر با یکدیگر و نحوه رفتار با طفل، وضع آموزشی، محیط اجتماعی، آزمایشات روانی، آزمایشات فیزیکی، وضع مزاجی طفل و همبازیها و حتی رفتار و اخلاق دوستان نزدیک طفل خواهد بود و تصمیم دادگاه هر چند شایسته و متناسب اتخاذ گردد، ولی تا کانون اصلاح و تربیت مجهری در اختیار نداشته باشد و بازداشتگاهها و دارالتأدیبی با اصول علمی و تحت نظر متخصصین فن تأسیس نگردد، اثر لازم را نخواهد داشت.

نکته‌ای که بیش از همه باید مورد امعان نظر قرار گیرد این است که وجود دادگاه اطفال بزهکار بدون تأسیس پلیس متخصص اطفال با توجه به مقدماتی که به آن اشاره شد، مانند این است که ما ناظر باشیم تا طفل سقوط کند آنگاه بخواهیم دست او را گرفته و این موجود منحرف را به راه راست بیاوریم. در حالی که تأسیس یک پلیس متخصص و کارآموده و دلسوز برای اطفال، هشتاد درصد از انحرافات را از بین خواهد برد و دادگاه اطفال بزهکار فقط با آنهایی مواجه خواهد شد که یا پلیس با تمام کوشش خود نتوانسته است از سقوط آنها جلوگیری کند و یا این که وضع خانوادگی و اجتماعی آنها طوری بوده که تصور انحراف برای آنها نمی‌شده است.

متأسفانه، فقدان باشگاهها و کلاسهای متناسب و تحت نظارت مسئولین و ادارات ذی‌ربط، کثرت جمعیت و کوچک شدن خانه‌ها و عدم استطاعت مالی بسیاری از مردم، نسل جوان را در معرض تهدید قرار داده و بیم فساد و تباهی برای اطفال و نوجوانان هر روز بیشتر و بیشتر می‌شود. تا دیر نشده باید به فکر چاره‌ای برای نجات اطفال و نسل جوان بود و راهی را انتخاب کرد که ممالک مترقی دنیا از آن طریق رفته و به نتیجه رسیده‌اند، و وجود پلیس مخصوص اطفال و نوجوانان یکی از این طرق است. اهمیت و نقش بسیار مؤثر پلیس در ایجاد امنیت و کاهش

میزان بزهکاری در جامعه، حکایت از آن دارد که جذب و استخدام و انتخاب مأمور نیروی انتظامی بایستی با حساسیت و وسواس کامل صورت گرفته و سپس به همکاری دعوت شوند. متأسفانه، در غالب آگهی‌های استخدامی این نیرو ملاحظه می‌کنیم که، برای کادر درجه‌داری حداقل میزان سواد شخص متقاضی، سیکل و حتی پایین‌تر نیز در نظر گرفته شده است، و تعدادی از همین افراد پس از جذاب و طی دوره‌های کوتاه مدت در پاسگاههای انتظامی داخل و بیرون شهر به کار گمارده می‌شوند؛ یعنی، وظیفه می‌یابند که در امر خطیر و مهم ایجاد امنیت و پیشگیری از جرایم فعالیت نمایند. هر چند که این عزیزان تحت امر مقامی بالاتر و باتجربه‌تر از خود انجام وظیفه می‌نمایند، اما بایستی در نظر داشت که همواره مقام ما فوق در کنار و همراه او نخواهد بود تا در موارد مقتضی راهنمایی‌های موردنظر را به او ارائه نماید. و در این جاست که در بعضی موارد با رفتارهای ناشایست و نامناسب این مأمورین مواجه می‌شویم. در حقیقت، این برخورد نامناسب مأمور ناشی از عدم وجود آگاهی لازم علمی از نحوه انجام وظیفه خصوصاً در مورد پیشگیری از جرایم می‌باشد. به نظر می‌رسد، مسئولین امر در ضمن اینکه با کلاسهای مختلف علمی و کاربردی، میزان اطلاعات و آگاهی‌های مأمورین این نیروی مردمی را در مسائل مربوط به وظایف آنها بالا می‌برند، بایستی به وضع معیشتی و رفاهی اعضا و کادر این حافظان امنیت و آسایش کشور و مردم عزیزمان بکوشند.

به هر حال، پلیس در هدایت اطفال و نوجوانان بزهکار به مراجع ذی‌صلاح و همچنین پیشگیری از ارتکاب جرم توسط این نیروی فعال و پر انرژی نقش غیر قابل انکار و مؤثری را دارد؛ و چنان که این وظیفه مهم و حیاتی را بتوان بخوبی به‌انجام رساند، به یقین جنایات بسیاری در نطفه از بین برده خواهد شد.

### پی‌نوشت‌ها:

۱. ماده (۱) قانون اقدامات تأمینی تربیتی: «اقدامات تأمینی عبارتند از تدابیری که دادگاه برای جلوگیری از تکرار جرم (جنحه یا جنایت) درباره مجرمین خطرناک اتخاذ می‌کند. مجرمین خطرناک کسانی هستند که سابق و خصوصیات روحی و اخلاقی آنان و کیفیت ارتکاب و جرم ارتکابی، آنان را در مظان ارتکاب جرم در آینده قرار دهد، اعم از اینکه قانوناً مسئول باشند یا غیرمسئول. صدور حکم اقدام تأمینی از طرف دادگاه وقتی جایز است که کسی مرتکب جرم گردیده است.»
- اصل یک صد و پنجاه و ششم قانون اساسی: «قوة قضایه قوه‌ای است که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است:

  ۱. رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه که قانون معین می‌کند
  ۲. احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای مشروع.
  ۳. نظارت بر حسن اجرای قوانین.
  ۴. کشف جرم و تعقیب و تمیز مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام.
  ۵. اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.

۲. بند «۸» ماده (۴) قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران: «انجام وظایفی که برطبق قانون به عنوان ضابط قوه قضایه به عهده نیروی انتظامی محول است از قبیل: الف. مبارزه با مواد مخدر؛ ب. مبارزه با قاچاق؛ ج. مبارزه با منکرات و فساد؛ د. پیشگیری از وقوع جرایم؛ ه. کشف جرایم؛ و. بازرسی و تحقیق؛ ز. حفظ آثار و دلایل جرم؛ ح. دستگیری متهمین و مجرمین و جلوگیری از فرار و اختفا آنها؛ ط. اجرا و ابلاغ احکام قضایی.